

Investigating the nature of barter in Iranian law

Abstract

A barter contract is a conditional method of importing goods or services to export goods or other services to the seller's country and exchanging them for sale instead of paying foreign currency. There has been no discussion of new international trade agreements, such as barter agreements in jurisprudence and jurisprudence, but the nature and characteristics of such agreements in jurisprudence and domestic law are similar to institutions such as sale, exchange, forgery, and peace. Becomes. This article, by examining and analyzing similar legal institutions, justifies, explains and examines this issue and concludes that clearing contracts are considered due to the wide scope of the principle of sovereignty and freedom of contracts in law and also due to the acceptance of this principle. In jurisprudence, it is one of the types of contracts accepted in Article 10 of the Civil Code and the consent of the parties is sufficient for the necessity and validity of these contracts. Therefore, the present paper accepts the recent theory.

Keywords: Barter contract, nature, legal, principle of freedom of contracts.

بررسی ماهیت قرارداد پایاپای در حقوق ایرانحسین رونده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶

محمد حسین بیاتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱

چکیده

قرارداد پایاپای عبارت است از روش مشروط واردات کالا یا خدمات به صدور کالا یا خدمات دیگر به کشور فروشنده و تبادل آنها در مقابل فروش بجای پرداخت ارز خارجی است. در مورد قراردادهای جدید تجارت بین المللی از قبیل قراردادهای پایاپای در فقه و حقوق موضوعه بحثی بعمل نیامده است اما در خصوص ماهیت و اوصاف این نوع قراردادها در فقه و حقوق موضوعه داخلی نهادهای متشابهی از قبیل عقد بیع، عقد معاوضه، جعاله و عقد صلح دیده می شود. این مقاله با بررسی و تحلیل نهادهای حقوقی متشابه به توجیه، تبیین و بررسی این موضوع می پردازد و به این نتیجه منتج می گردد که قراردادهای پایاپای با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و نیز با توجه به پذیرش این اصل در فقه، یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده در ماده ۱۰ قانون مدنی می باشد و تراضی طرفین برای لزوم و صحت این قراردادها کافی است. بنابراین، مقاله حاضر نظریه اخیر را مورد پذیرش قرار می دهد.

کلید واژه ها: قرارداد پایاپای، ماهیت، حقوقی، اصل آزادی قراردادها.

^۱دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران. استادیار دانشگاه عدالت (نویسنده مسئول)

^۲استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه عدالت

در حقوق کنونی معاملات و قراردادها از نظام ساده پایاپای به نظام پیچیده بانکی تکامل پیدا کرد و منای پول نیز تکامل یافته است و به مهمترین وسیله جامعه تبدیل شده است. اما نظام پولی کنونی تا منتهی شدن به یک نظام کامل هنوز فاصله زیادی دارد. با این وجود، هم چنان که اوضاع و احوال مالی دنیا نامساعد و بهم ریخته و مشکلات تجاری رو به فزونی می باشد، باعث شده است که برای مسائل و اصول اقتصادی که در طول سالهای متمادی بوجود آمده است، روش دیگری برای فرار از این مشکلات و مسائل بوجود آید. یکی از این خط مشی ها، قراردادهای پایاپای است که می تواند مسیر دیگری در جهت بهبود روش های معاملاتی باشد که در متضمن ترتیبات بازرگانی مختلفی است که در آن پرداخت به روشی غیر از روش نقدی انجام می پذیرد. (لئو. جی. بی. ولت، ۱۳۶۵، ص ۳۸).

فلذا، تا پیش از رواج پول، اکثر قراردادها به صورت پایاپای انجام می گرفت و تعاقب این امر پیدایش نظام بانکی و ایجاد اشکال مختلف پول، معاملات نقدی توسعه چشمگیری پیدا کرده است لیکن با وجود این، در سه دهه کنونی، قراردادهای پایاپای توسعه زیادی یافته است. صرف نظر از تصور عمومی مبنی بر اینکه معاملات پایاپای روشی نامناسب نسبت به تجارت مستقیم است، کسترش این نوع معاملات در سالهای اخیر و همچنین حجم بالای آن نشان دهنده این است که این معاملات نه تنها ناکارآمد نیستند بلکه در شرایطی خاص بر معاملات مستقیم ترجیح دارند. در سال ۱۹۷۲ تنها ۱۵ کشور در دنیا از معاملات متقابل استفاده می کرده اند، این رقم در سال ۱۹۷۹ به ۲۷ و در اوایل دهه نود میلادی نزدیک به ۱۰۰ کشور رسیده است (اصغرزاده، ۱۳۷۴، ص ۳۳). الانه نیز حدس و گمان می رود که ۱۴۰ کشور در رابطه با قراردادهای پایاپای باشند تا جاییکه که نقش قراردادهای پایاپای در صحنه بین المللی از حدود ۴٪ در سال ۱۹۷۵ میلادی به میزان ۵۰٪ در سال ۲۰۰۰ میلادی بالغ شده است تا حدی که بعضی ها ارزش این معاملات را از ۲۵ تا ۵۰ درصد کل تجارت جهانی می دانند. از سوی دیگر، بانکداران و مقامات دولتی از قراردادهای پایاپای تفسیر درستی نداشته اند و اغلب این واژه را به مفهوم بسیار ساده آن دریافتند یعنی شیوه ای که تنها در روابط بازرگانی شرق و غرب از آن استفاده می شود اما امروزه جهت این روابط در همه جای دنیا گسترش یافته است و مفهومی بسیار وسیع تر دارد (Abdel Latif, 1985, p5).

معاملات پایاپای برای کشورهای در حال توسعه روش مناسبی است. به ویژه در کشورهایی که با کمبود نقدینگی مواجه هستند، صادق می باشد. به همین دلیل به منظور به حداقل رساندن استفاده از ارز آزاد و قابل تبدیل، استفاده از اعتبار متقابل و امکانات سیستم بانکی کشورها، رسیدن و دستیابی به اهداف صنعتی شدن، توسعه سطح استاندارد و کیفیت کالاهای ساخته شده و فرآورده ها، پرهیز از خطر نوسانات نرخ ارز، ایجاد اتحاد میان کشورها و طرف های متقابل، مدیریت و ترکیب زیربنایی در ارتباط با محصولات و نهایتاً آزادسازی اقتصاد از وابستگی به یک محصول خاص و به عبارت دیگر رهایی از اقتصاد تک محصولی، سیاست چنین دولت هایی به سوی استفاده و به کارگیری شیوه های مختلف معاملات پایاپای جهت گیری می نماید. بنابراین، کشورهای در حال توسعه به علل کمبود ارز، جلب سرمایه گذاری خارجی، نداشتن تکنولوژی روز، افزایش روز افزون اشتغال و به طور کلی جهت توسعه کشور به شیوه های مختلف مبادلات پایاپای متوسل شدند. دلیل اصلی این امر هم استفاده کمتر از ارز معتبر و کمیاب است و از عواملی که کشورهای در حال توسعه

خصوصاً کشورهای کوچک را ناچار به انجام چنین مبادلاتی می سازد، فرار از نوسانات نرخ ارز است. علاوه بر آن عامل دیگر در انجام قراردادهای پایاپای، بهره گیری از نظام بازاریابی پیشرفته کشورهای در حال توسعه یافته می باشد که کشورهای کوچک می توانند بدون سرمایه گذاری در این موضوع از امکانات کشور طرف قرارداد خود بهره مند گردند. (لئو . جی . بی . ولت، ۱۳۶۵، ص ۴۰).

بنابراین، مبادلات پایاپای علاوه به توسعه تجاری کمک می کند، باعث متنوع ساختن محصولات و رهایی از کمبود ارز معتبر گردیده و می تواند کمک ارزنده ای به اصلاح توازن صنعتی، تراز تجاری و پرداختها باشد. شاید به همین خاطر بوده است که در برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مبلغ ۱۰ میلیارد دلار را به خاطر این امر تخصیص داده شده بود. مبادلات پایاپای نخست بوسیله کشورهای سوسیالیستی مورد بهره برداری قرار گرفته است تا به فناوری و دانش فنی کشورهای صنعتی دسترسی پیدا کنند و از سوی دیگر بتوانند متاع های تولید شده خود را به بازارهای کشورهای صنعتی سمت و سوق دهند (Blum, 1987, p38).

موارد و نمونه هایی از این قبیل قراردادها را می توان در بین روسیه، کشورهای اروپای شرقی و چین با کشورهای صنعتی پیدا نمود (Hennart, 1990, p259). امروزه این قبیل قراردادها مختص به کشورهای سوسیالیستی نیست و کشورهای متعددی در سطح جهان از این روش بهره می گیرند. در دهه ۱۹۸۰ به دلیل طبیعت ناملموسی که داشت، به طور شگفت انگیزی صورت می پذیرفت. زیرا، مسئولین و صاحبان شرکتها و کارخانههایی که به روش پایاپای قراردادهای قابل ملاحظه ای را انجام می دادند، تمایلی به افشای معاملات خود نداشته اند. چه آنکه از این موضوع در هراس بودند که سایر خریداران بالقوه بر انجام چنین قراردادهایی اصرار کنند و از سویی دیگر مایل نبودند رقبای آنان از چگونگی و ترتیب انجام این معاملات آگاه گردند لیکن با همه این اوصاف به تدریج انجام این نوع معاملات بیشتر و بیشتر شد (Dick, 1987, p1).

بنابراین، قراردادهای پایاپای به عنوان یک مسئله بسیار حائز اهمیت در عرصه تجارت بین المللی، خصوصاً از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی مطرح گردیده است و در سطح وسیع آن اولین بار پس از جنگ جهانی اول ظهور یافت. به عنوان مثال آلمان در دوران جمهوری وایمار و در شرایطی که پول کشور در اثر بی ثباتی بیش از حد نمی توانست وسیله مبادله خارجی قرار گیرد، به شیوه تهاثری متوسل گردید. در آن زمان کشور آلمان با مشکلات عدیده اقتصادی روبه رو بود و تورم بالا باعث شده بود پول آنها چنان بی ارزش شود که دیگر توانایی معامله با آن را به خصوص در عرصه بین المللی نداشته باشند و در نتیجه به سمت استفاده از مبادلات پایاپای روی آورد. به این ترتیب کشورهایی که درگیر جنگ بودند؛ توانستند اقتصاد خسارت دیده از جنگ را دوباره به حالت عادی و سالم بازگردانند. سایر کشورهای اروپایی نیز سیستم پایاپای را به عنوان وسیله ای جهت کمک به بهبود اوضاع اقتصادی بعد از جنگ به کار گرفتند (حسن بیگی، ۱۳۸۱، ص ۶).

از سوی دیگر با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذار ی خارجی و استقبال سرمایه گذاران خارجی از مزایای حمایتی این قانون، تلاش سرمایه گذاران خارجی و مشاوران داخلی آنان در جهت تلفیق مقررات با پوشش های قانونی یاد شده و نیز امکان استفاده از سایر قراردادها افق روشنی را در این زمینه ایجاد نموده

است. نکته جالب توجه این است که قراردادهای یاد شده از شروع استفاده مورد انتقاد جدی و بحث و جدل در محافل و مجالس متنوع علمی، اقتصادی و حقوقی قرار گرفته است و با همه ایراداتی که بر این قضیه وارد شده است، به دلیل جایگاه قانونی خاص آن، به طور نسبی مورد توجه و مقبولیت عام قرار گرفته است. از طرفی دیگر با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و استقبال سرمایه‌گذاران خارجی از امتیازات حمایتی این قانون، سعی سرمایه‌گذاران خارجی و مشاوران داخلی آنان به منظور تلفیق مقررات با پوشش‌های قانونی ذکر شده و نیز امکان استفاده از سایر قراردادها و معاهدات، چشم‌انداز روشنی را در این خصوص ایجاد نموده است. علاوه بر پیشرفت و افزایش قراردادهای تهاتری در زمینه بین‌المللی، امروزه این نوع قراردادها به شکل گسترده‌ای در زمینه داخلی کشورها نیز مورد استفاده و توجه قرار می‌گیرند. براساس آمار مؤسسه بین‌المللی همکاری‌های چندجانبه (IRTA) هم اکنون بیشتر از ۴۰۰ شرکت و موسسات در کشورهای مختلف دنیا در حال استفاده و اداره بازارهای تهاتری هستند (صابر، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶).

بنابراین، می‌توان بر آن اعتقاد بود که مبادلات پایاپای، که تا قبل از سال ۱۹۷۲ میلادی سهم خیلی ناچیزی از معاملات بازرگانی و تجاری در کشورهای سرمایه‌داری غرب را مشمول می‌شد، به دلیل مشکلات و مسایل ارزی کشورهای جهان سوم و کشورهای صنعتی در اروپای شرقی، در حال حاضر بسیار متداول و شایع گردیده است و امروزه مختص معامله با کشورهای سوسیالیستی نمی‌باشد و می‌توان بر آن اعتقاد بود که این نوع از مبادلات - قراردادهای پایاپای - در شرایطی که حداقل یکی از کشورهای طرف معامله با مشکلات و مسائل ارزی مواجه می‌باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و همان طوری که فوقاً ذکر گردید؛ معاملات پایاپای برای کشورهای در حال توسعه روش مناسبی است؛ به ویژه در کشورهایی که با کمبود نقدینگی مواجه هستند، صادق می‌باشد. به همین دلیل به منظور به حداقل رساندن استفاده از ارز آزاد و قابل تبدیل، استفاده از اعتبار متقابل و امکانات سیستم بانکی کشورها، رسیدن و دستیابی به اهداف صنعتی شدن، توسعه سطح استاندارد و کیفیت کالاهای ساخته شده و فرآورده‌ها، پرهیز از خطر نوسانات نرخ ارز، ایجاد اتحاد میان کشورها و طرف‌های متقابل، مدیریت و ترکیب‌زیربنایی در ارتباط با محصولات و نهایتاً آزادسازی اقتصاد از وابستگی به یک محصول خاص و به عبارت دیگر رهایی از اقتصاد تک محصولی، سیاست چنین دولت‌هایی به سوی استفاده و به کارگیری شیوه‌های مختلف معاملات پایاپای جهت‌گیری می‌نماید. بنابراین، کشورهای در حال توسعه به دلیل مشکلات ناشی از کمبود ارز، جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نداشتن تکنولوژی مدرن، افزایش روبره افزایش اشتغال و به طور کلی و در یک نگاه وسیع تر جهت توسعه و پیشرفت کشور به شیوه‌ها و روش‌های مختلف مبادلات پایاپای تمایل پیدا نموده و به این روش متوسل شدند. علت اصلی و مهم این امر هم استفاده کمتر از ارز معتبر و کمیاب است و از عواملی که کشورهای در حال توسعه مخصوصاً کشورهای کوچک را مجبور به انجام چنین مبادلات و قراردادهایی می‌نماید، فرار و رهایی از نوسانات نرخ ارز و دلار است. بنابراین با توجه به اهمیت و مهم بودن این موضوع، این مقاله با بررسی و تجزیه و تحلیل نهادهای حقوقی مشابه به بررسی ماهیت قراردادهای پایاپای می‌پردازد.

تعاریف متفاوت و مختلفی برای قراردادهای پایاپای ارائه و به رشته تحریر درآمده است. هم چنان که برخی از حقوق دانان (شیروی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۱) بر این عقیده اند که ارائه و بیان یک تعریفی دقیق و جامع که بتواند تمامی روش های این نوع مبادلات را پوشش دهد و معاملات نقدی را نیز از دامنه این نوع از معاملات خارج کند، موضوع ساده ای نمی باشد؛ چه آنکه، هر کدام یک از انواع مبادلات پایاپای، در فضای خاص و ویژه خود و در جواب به نیازها و مسائل خاصی تشکیل گردیده است. فلذا، ارائه و تحریر هرگونه تعریفی از شکل مبادلات پایاپای ممکن است جامع و مانع نباشد.

در برخی دیگر از کتب مولفین حقوقی (اشمیتوف، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱) بیان شده است که قراردادهای پایاپای روش های مختلف ارتباط دو معامله و قرارداد صادراتی است که یکی از این دو قرارداد از کشور صادر کننده و قرارداد دیگری از کشور وارد کننده منشا می گیرد. هم چنین، برخی دیگر از حقوق دانان در تعریف قراردادهای پایاپای بیان نموده اند که، معاوضه یک شی یا کالا با کالای دیگر است و در پیچیده ترین شکل آن، نوعی سرمایه گذاری خارجی محسوب می گردد (Baker, 1983, p274).

علاوه بر آن، قراردادهای پایاپای معاملاتی هستند (Uncitral, 1993, p325) که در این نوع از قراردادها، یکی از طرفین معامله کالا، خدمات، فناوری یا هر ارزش اقتصادی دیگری را برای طرف مقابل تهیه و فراهم می کند و در عوض آن طرف اول از طرف دوم مقدار توافق شده ای کالا، خدمات، فناوری و یا هر ارزش اقتصادی دیگری را خریداری می کند (Thomas, 1980, p201).

آیین نامه معاملات متقابل مصوب ۱۳۶۹/۱/۲۰ مصوب هیئت وزیران نیز در این خصوص بیان می دارد: معاملات متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می گردد و ضمن آن یک طرف «تأمین کننده» در مقابل تعهد طرف دیگر «صادرکننده» مبنی بر تولید و تحویل از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج از کشور طی زمان مورد توافق، تعهد می نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز آن طرف را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد. هم چنین ماده ۳ آیین نامه مزبور مقرر می دارد: صادرکننده شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی است که تحت قرارداد معامله متقابل تعهد می نماید در ازای دریافت قطعات، ابزار، ماشین آلات و یا خدمات از طرف دیگر قرارداد یعنی تأمین کننده رأساً یا با واسطه، کالاهای مورد توافق را از محصولات و فرآورده های همان واحد تولیدی یا تولیدات صنعتی هم گروه آن به مقدار معین و مقرر شده و در زمان مقرر صادر یا جهت صدور در اختیار تأمین کننده قرار دهد.

هم چنین می توان بر آن اعتقاد بود که مبادلات پایاپای، به اقدامات و عملیاتی گفته می شود که بر اساس آن فروش و انعقاد قرارداد به یک کشور خارجی تنها در صورتی امکان پذیر است که فروشنده قبول کند کالاهایی را از کشور خریدار، به بها و ارزش قرارداد اول خریداری نماید و نهایتاً از کشور خریدار صادر نماید. در واقع مبادلات پایاپای اشاره به ترتیبات قراردادی دارد که به موجب آن فروشنده کالا متعهد می شود تا تمام یا بخشی از پرداخت را به صورت کالا یا خدمات از خریدار اصلی خریداری کند (Ruben, 1987, p1; International Countertrade, 1988, p99).

البته ذکر این نکته خالی از فایده نیست که گفته شود؛ به ناچار اصطلاح قرارداد پایاپای در مقابل واژه Counter Trade Contracts که واجد مفهوم گسترده تری می باشد، به کار برده شده است. چه آنکه در

واژه‌های بازرگانی و بانکی به زبان فارسی، انواع قراردادهای تجاری بین‌المللی که به موجب آن خرید و فروش در مقابل انتقال ارز صورت نمی‌پذیرد به عنوان پایاپای محسوب شده است، که معادل و اصطلاح خارجی آن Barter می‌باشد. اما قرارداد پایاپای در این معنا و مفهوم یعنی Barter خودش یکی از مصادیق و نمونه‌های مبادلات پایاپای می‌باشد. بنابراین، با توجه به آنچه بیان گردید؛ به خاطر پرهیز از جعل اصطلاح و عبارت، کلمه متعارف «مبادله پایاپای» با مسامحه و اغماض در تعبیر، استفاده می‌شود. بنابراین، قرارداد پایاپای عبارت است از روش مشروط واردات کالا یا خدمات به صدور کالا یا خدمات دیگر به کشور فروشنده و مبادله‌ی آنها به جای فروش در مقابل پرداخت ارز خارجی، و یا مبادله کالا یا خدمات با کالا یا خدمات با استفاده از روش بانکی تهاتر دفتری که مستلزم پرداخت وجه نقد نباشد (نصیری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰).

ماهیت قراردادهای پایاپای

۱-۲-

در خصوص ماهیت مبادلات پایاپای در حقوق داخلی ایران نهادهای حقوقی مشابهی وجود دارد. لذا با بررسی نهادهای حقوقی مشابه به توجیه و تبیین این مسئله می‌پردازیم:

الف- عقد بیع

عقد بیع در حقوق ایران و در نظر فقها (علامه حلی، ۱۴۱۳، ص ۱۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۸؛ فخرالمحققین، ۱۳۷۸، ص ۴۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۷؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۹؛ طباطبایی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۰؛ خویی، ۱۳۷۱، ص ۵۳) به تملیک عین به عوض معلوم تعریف شده است (ماده ۳۳۸ ق.م). تملیکی بودن عقد بیع، این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که مبادلات پایاپای از بین سایر عقود معین، بیشترین شباهت را با عقد بیع داشته باشد.

اما باید بر آن اعتقاد بود که مبادلات پایاپای به عنوان عقد بیع نمی‌تواند محسوب شود. زیرا عقد بیع جزء عقود تملیکی محسوب گردیده و به صرف انعقاد عقد، بایع مالک ثمن و خریدار مالک مبیع محسوب می‌گردد. حال لیکن در قراردادهای پایاپای، تملیک به طوری که در عقد بیع مدنظر است صورت نمی‌گیرد و تنها تعهداتی را برای طرفین ایجاد می‌کند و در حقیقت می‌توان گفت قراردادهای پایاپای از عقود عهدی محسوب می‌گردد. هم‌چنان که برخی از حقوق دانان (صابر، ۱۳۸۶، ص ۲۶۲) نیز در انواع مختلف قراردادهای پایاپای به این امر اشاره کرده‌اند.

مورد بعدی که می‌تواند موید عهدی بودن آن باشد، ماده یک قرارداد نمونه بیع متقابل^۱ کمیسیون اقتصادی اروپا^۱ (کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا، ۱۳۷۲، ج ۳) می‌باشد و این نکته نیز قابل ذکر است که بیع متقابل یکی از نمونه‌های قرارداد پایاپای محسوب می‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد:

^۱ - تهاتر تولیدی که یکی از انواع قراردادهای تهاتری است، معامله طویل‌مدتی است که به موجب آن یک کارخانه کامل با تجهیزات و تکنولوژی، نصب و فروخته می‌شود و خریدار در مقابل تعهد می‌کند که بهای کارخانه را به صورت تولیدات حاصله در اختیار فروشنده قرار دهد.

۱-۱- بدین وسیله آلفا موافقت میکند که محصولاتی را که بتا به موجب شروط این قرارداد به وسیله استفاده از وسایل و تکنولوژی فروخته شده توسط آلفا تولید کرده است از بتا بخرد یا سبب خرید را به وجود آورد و همچنین محصولات مذکور را تحویل بگیرد.

۱-۲- بدین وسیله بتا موافقت می کند که طبق شرایط و مقررات مذکور در قرارداد، محصولات مذکور را به آلفا یا قائم مقام وی که در ماده ۶ از آن تعریف شده را بفروشد و با خرید محصولات از آلفا به عنوان بیع متقابل در چارچوب این قرارداد موافقت نماید.

علاوه بر آن، آیین نامه قرارداد متقابل مصوب ۱۳۶۹/۱/۲۰ هیئت وزیران نیز در این مورد بیان می دارد: قرارداد متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می گردد و در ضمن این عقد یک طرف که به عنوان تأمین کننده محسوب می گردد در مقابل تعهد طرف دیگر که صادرکننده نامیده می شود مبنی بر تولید و تحویل از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج از کشور طی زمانی که بین طرفین مقرر و مورد توافق همدیگر می باشد؛ متعهد می گردد که ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز طرف مقابل را برای ایفای تعهدات خودش در اختیار وی قرار بدهد. علاوه بر آن، از سویی دیگر، همان طوری که در تعریف قراردادهای تهاتری شرح تفصیلی آن گذشت؛ در این گونه قراردادهای هیچ گونه پرداخت نقدی وجود ندارد. لیکن عقد بیع، خاص مبادله کالا با پول یا به اصطلاح حقوقی ثمن معامله است تا جائیکه برخی از حقوق دانان بر آن اعتقادند که اگر دو نفر کالایی را با پول مبادله نمایند؛ دادگاه باید آن را عقد بیع تلقی نماید، هرچند دو طرف آن را معاوضه در نظر بگیرند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۲). اما باید اذعان نمود که مبادله در قالب و شکل یک قرارداد پایاپای هیچ گونه پرداخت نقدی وجود ندارد و نحوه ی بازپرداخت آن به موجب نوع قرارداد پایاپای متفاوت و متمایز می باشد (Christain, 2005, p13).

علاوه بر آن در عقد بیع لازم و ضروری نمی باشد که موضوع قرارداد یعنی ثمن و مبیع با یکدیگر سنخیت و ارتباط کامل داشته باشند؛ یعنی یکی محصول و نتیجه دیگری باشد لیکن در برخی از مبادلات پایاپای از قبیل بیع متقابل یکی از شرایط اصلی و مهم آن این است که همان محصولی که از سرمایه گذاری پیمانکار و طرف قرارداد به دست می آید به خود وی فروخته شود (شیروی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۳؛ نصیری، ۱۳۸۳، صص ۱۷۱-۱۷۰). بنابراین با توجه به آنچه که شرح آن فوقاً گذشت می توان بر آن اعتقاد بود که قراردادهای پایاپای را نمی توان به عنوان عقد بیع محسوب نمود.

1 - Article 1- The Buy- Back Commitment

1.1 Alpha hereby agrees to buy (or cause the purchase) from Beta, under the terms and conditions set forth in this contract, products manufactured by Beta using the equipment / the technology sold by Alpha, and take delivery of the said products.

1.2. Beta hereby agrees to sell to Alpha (or to his assignee (as defined below in Article 6)), under the terms and conditions set forth in this contract, such products, and to accept the purchase by Alpha of such products as Buy-Back within the framework of this contract.

۲ - تبصره ۳ ذیل ماده ۸ آیین نامه اجرایی نحوه قراردادهای بیع متقابل موضوع بند «ج» ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۴/۴/۱۵ هیأت وزیران: «در این گونه قراردادهای هزینه مستقیم و غیرمستقیم اکتشافی در قالب قراردادهای منعقد شده منظور و به همراه هزینه های توسعه میدان تجاری کشف شده از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان، بازپرداخت خواهد شد».

به موجب قانون مدنی، معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین به عوض مال دیگر که از طرف مقابل اخذ می کند؛ مالی می دهد بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین، مبیع و دیگری ثمن باشد.

از طرفی دیگر، برخی از فقها بر آن عقیده هستند که مقتضای اطلاق عقد معاوضه این است که هر کدام از عوضین در ملک شخصی که عوض دیگر از آن خارج می گردد، داخل شده و این امر مقتضای ذات عقد معاوضه محسوب نمی گردد تا طرفین با قصد خلاف آن، حقیقت و ذات عقد معاوضه تحقق پیدا نمایند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷). هم چنین، عقد معاوضه از عقود تملیکی محسوب می گردد ولیکن مبادلات پایاپای تملیک به صورتی که در عقد معاوضه وجود دارد؛ اتفاق نمی افتد و صرفاً تعهداتی را برای طرفین قرارداد ایجاد می نماید و در واقع می توان اذعان نمود که مبادلات پایاپای جزء عقود عهدی محسوب می گردد. به علاوه در عقد معاوضه بین عوضین سنخیت و ارتباط وجود ندارد و این همان موضوعی بوده است که در عقد بیع نیز وجود داشته است که شرح آن گذشت. بنابراین با توجه به آنچه که شرح آن فوقاً گذشت می توان بر آن اعتقاد بود که قراردادهای پایاپای را نمی توان به عنوان عقد معاوضه محسوب نمود.

ج- جعاله

به موجب قانون مدنی (ماده ۵۶۱ ق.م) جعاله عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف، معین باشد یا اینکه غیر معین باشد. در مورد ماهیت جعاله بین فقها و حقوق دانان اتفاق نظر وجود ندارد تا جایی که برخی از آنان (شهید ثانی، ۱۴۱۷، ص ۱۴۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۶، ص ۵۱۳؛ خویی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷؛ نجفی، ۱۹۸۱، ص ۱۹۰؛ لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۵) بر آن اعتقادند که جعاله ایقاع هست و برخی دیگر (شهید ثانی، بی تا، ص ۱۵۲؛ امامی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷؛ شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰، کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶) نیز بر آن اعتقاد هستند که جعاله یک عقد محسوب می گردد که بحث تفصیلی آن خارج از مقاله است.

علاوه بر آن، بر طبق ماده ۵۶۳ ق.م در جعاله لازم و ضروری نیست که اجرت من جمیع الجهات معلوم و مشخص باشد و هم چنین بر طبق ماده ۵۶۴ ق.م در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد. بنابراین، مواد ذکر شده در فوق بیان کننده و تقویت کننده ی قبول ابهامات در جعاله می باشد و با وجود این ابهامات، شارع آن را مورد پذیرش قرار داده است و آثار حقوقی را بر آن مترتب نموده است و برخی از فقها نیز همین نظریه را مورد پذیرش قرار داده اند (نجفی، ۱۹۸۱، ص ۵۴۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷، ص ۱۴۹). از طرفی دیگر، فقها بر آن باور هستند که جعاله تعهدی جایز بوده که از سوی هر کدام از طرفین جعاله-جاعل و عامل- قابل فسخ می باشد و ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که اگر جاعل پس از انجام مقداری از عمل یا فعل مورد نظر عرفاً مستحق اجرت باشد و اقدام به فسخ بنماید، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود (محقق کرکی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹، صص ۵۸۹-۵۹۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۶؛ سعید حلی، ۱۴۰۵، ص ۳۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ص ۴۳۰؛ فخر المحققین، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۶).

علاوه بر این موارد، بر خلاف عقود دیگر که از حیث متعاقدین و موضوع، حدود و ثغور مشخص و معینی دارند، جعاله از قابلیت مانور فوق العاده و بیشتری نسبت به عقود دیگر برخوردار می باشد. به عنوان مثال در عقد بیع، تملیک عین در مقابل عوض معلوم است و اگر به جای عین، منافع قرار گیرد قواعد عقد اجاره بر آن حاکم می باشد یا عقودی مانند مزارعه و مساقات دارای مفاهیم خاص و موضوعاتی مشخص و معینی دارند در حالی که با ملاحظه و مذاقه در پاره ای از مواد قانون مدنی از قبیل ۵۶۱ و ۵۶۳ و ۵۶۴ ق.م نیز این نتیجه به بدست می آید که عقود بسیاری را می توان در قالب عقد جعاله قرار داد. به عنوان نمونه از کلمه «عمل» در ماده ی ۵۶۱ ق.م. به خوبی این مطلب قابل استنتاج است که مورد عقد جعاله صرفاً شامل امور خدماتی نیست تا جائیکه می توان بر آن اعتقاد بود که میتوان واگذاری اعیان یا موضوعات دیگر را موضوع و مشمول عقد جعاله قرار داد. به همین خاطر است که بانکها در بانکداری بدون ربا از این عقد بسیار استفاده می کنند و در بسیاری از موارد نیز تسهیلات خود را در شکل این عقد واگذار می نمایند (ایزدی فرد و کاویار، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷).

بنابراین می توان اذعان نمود که معاملات پایاپای را با ویژگی هایی که در مورد عقد جعاله ذکر گردید را با عقد جعاله تبیین نمود. وجود ویژگی هایی مانند قابلیت تعمیم در عقد جعاله کمک فراوانی به این تبیین میکند. به عنوان مثال طبق تعریف آنسترال از بای بک، عرضه تجهیزات و تکنولوژی از یک طرف، منوط به باز پرداخت ثمن از طریق محصولات، پایه معاملات بای بک را تشکیل می دهد که در شکل عقد جعاله قرار می گیرد (ایزدی فرد و کاویار، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷). اما باید اذعان نمود که به نظر می رسد مبادلات پایاپای جدای از جعاله باشد. زیرا، در عقد بودن مبادلات پایاپای بر خلاف جعاله هیچ گونه تردیدی وجود ندارد و از سوی دیگر در مبادلات پایاپای طرفین قرارداد معلوم یا اینکه حداقل قابل تعیین و تعهدات و حقوق طرفین نیز مشخص و معین می باشد و موارد مبهمی وجود ندارد. علاوه بر آن، در جعاله بر طبق ماده ۵۶۵ ق.م تعهدی است جایز و تا زمانیکه که عمل به پایان نرسیده باشد هر کدام از طرفین می توانند جعاله را بهم بزنند و حال آنکه مبادلات پایاپای عقدی لازم است و طرفین بدون تبیین حقوقی و در قالب یک قرارداد نمی توانند عقد را فسخ نمایند. بنابراین با توجه به آنچه که شرح آن فوقاً گذشت می توان بر آن اعتقاد بود که قراردادهای پایاپای را نمی توان به عنوان جعاله محسوب نمود.

د- عقد صلح

مطابق ماده ۷۵۲ قانون مدنی، صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود باشد و یا در جهت جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر از آن واقع شود. از طرفی دیگر، عقد صلح به مادر عقود نیز مشهور می باشد. زیرا، بدون این که احتیاجی به شرایط سخت و محکمی وجود داشته باشد، نتیجه آن عقد را خواهد داشت. ماده ۷۵۸ ق.م نیز مثبت موضوع مذکور است. این ماده مقرر میدارد: صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه معامله را که به جای آن واقع شده است می دهد لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد بنابراین اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود بدون اینکه شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود. حدیث نبوی «الصلح جایز بین المسلمین الا صلحاً احلاً حراماً

او حرم حلالاً» نیز اشاره به موضوع مذکور دارد (علامه حلی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۳؛ حلی، ۱۴۰۵، ص ۳۰۶؛ بهوتی، ۱۴۱۸، ص ۴۵۵؛ دسوقی، بی تا، ص ۳۰۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۸؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱، ص ۶۴؛ محقق حلی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۴).

مسئله صلح در فقه امامیه نیز برخلاف فقه شافعیه (شربینی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷؛ زکریا انصاری، ۱۴۱۸، ص ۳۵۴؛ مزنی، بی تا، صص ۱۰۶-۱۰۵) صرفاً منصرف به رفع خصومت نبوده و مطابق با نظر برخی از فقها برای تحقق و انجام صلح ضرورتی به وجود اختلاف نیست، بلکه شامل موارد دیگر از قبیل وسیله انجام معامله نیز می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ص ۵۶۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ص ۳۲۷؛ سرخسی، ۱۴۰۶، ص ۲۲۳).

لیکن در مورد اینکه مبادلات پایاپای با عقد صلح مطابقت و شباهت دارد یا خیر باید بر آن اعتقاد بود که مبادلات پایاپای با عقد صلح قابل انطباق نمی‌باشد. زیرا، این دو قرارداد با یکدیگر تفاوت ماهیتی دارند و آن اینست که عنصر تسالم جز جدانشدنی تمامی اقسام عقد صلح می‌باشد (ایزدی فرد و کاویار، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰). لیکن پایه و اساس مبادلات پایاپای، تعهد است. فلذا، همان‌گونه که فقها نیز بر آن اعتقادند معنی اصلی صلح تسالم می‌باشد و بدین دلیل صلح به خودی خود نمی‌تواند منصرف به مال گردد (انصاری، ۱۴۱۸، صص ۱۴-۱۳).

علاوه بر آن، مبادلات پایاپای از جمله عقود معوض محسوب می‌گردد و حال آنکه مطابق ماده ۷۵۷ ق.م. صلح بلاعوض نیز جایز است و در نتیجه نمی‌توان تمامی اقسام صلح را به صورت معوض محسوب دانست. بنابراین با توجه به آنچه که شرح آن فوقاً گذشت می‌توان بر آن اعتقاد بود که قراردادهای پایاپای را نمی‌توان به عنوان عقد صلح محسوب نمود.

ه - عقد نامعین

مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی ایران، قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است. بنابراین، مطابق این ماده در حقوق ایران اصل بر آزادی قراردادها می‌باشد.

در مورد مبادلات پایاپای با توجه به سیستم پیچیده انعقاد این نوع از قراردادها و با وجود گروه‌های قراردادی متعدد و متنوع مرتبط و غیر مرتبط با مبادلات پایاپای و نیز با لحاظ قراردادن به اینکه طرف‌های قرارداد قصد مشترک خود را به متعهد نمودن در شکل‌های عقود معین در حقوق داخلی و موضوعه ندارند، این قرارداد با هیچ یک از قالب‌ها و شکل‌های حقوقی کشور ایران هماهنگی و مطابقت کامل ندارد (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸).

در توجیه و تبیین ماهیت حقوقی قراردادهای پایاپای، اصل آزادی قراردادها کمک‌کننده می‌باشد. این اصل در واقع این موضوع اساسی و پایه‌ای را به استنباط می‌رساند که اراده برای انشاء عقد و ایجاد التزام و هم‌چنین در تعیین آثار عقد کافی است و طرفین در ایجاد عقد، شروط، اوصاف و نوع تعهد مختار می‌باشند و

صرف تراضی آنان برای ایجاد تعهد کافی بوده و نیازی به شکل خاصی از عقد و یا نحوه بیان اراده انشائی یا استفاده از الفاظ خاص نمی باشد (حائری، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

علاوه بر این موضوع، قلمرو آزادی قراردادها افراد به حدی قابل توسعه و تعمیم نیست که مصالح اجتماعی را با خطر مواجه نماید و یا اینکه بر خلاف نظم عمومی باشد (صائمی، ۱۳۸۲، ص ۹۰). همان طوری که قانون گذار نیز در ماده ۱۰ قانون مدنی به این امر صراحتاً اشاره نموده است (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۵۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۶). فلذا، اصل آزادی قراردادها قالب خاص نمی شناسد و هدف اصلی و مهم تشریح ماده ۱۰ ق.م این است که تراضی و توافق طرفین قرارداد جز در مواردی که در قانون به صراحت منع شده است، حاکم بر روابط طرفین قرارداد می باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۶؛ نصیری، ۱۳۸۳، صص ۷۷ به بعد). در فقه نیز اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها مورد قبول فقها قرار گرفته است. فقها با استناد به عموم آیه «اوفوا بالعقود» و نیز با استناد به حدیث «المسلمون/المؤمنون عند شروطهم»، قلمرو لزوم عقود را به سایر قراردادها و تعهدات تسری دادند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۵، ص ۶۶؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ص ۲۶۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۰، ص ۸۶؛ انصاری، ۱۴۱۸، ص ۸۶؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۷۷؛ بخاری، ۱۴۰۱، ص ۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۵، ص ۵۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ص ۴۸).

در خصوص قراردادهای نوین تجارت بین المللی از قبیل قراردادهای پایایی در فقه نیز مباحثی مطرح نگردیده است. فقها بیشتر در مورد عقود معین از قبیل بیع، اجاره و غیره بحث و گفتگو نمودند و یا در برخی از کتب فقهای متأخر مانند مکاسب شیخ انصاری مباحثی که در عصر حاضر به قواعد عمومی قراردادها مشهورند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (صابر، ۱۳۸۶، ص ۲۷۰).

در ادوارهای گذشته اکثر قراردادهایی که متداول بود، از پیچیدگی و ظرافت خاص و ویژه ای برخوردار نبوده است و این امر بدین دلیل بوده است که روابط اجتماعی مردم در ادوار گذشته ساده و معمولی بوده است و قواعد موجود پاسخگوی نیازها و برآوردهای مردم و جامعه بوده است. فلذا، باید اذعان نمود که قراردادهای پایایی را نمی توان با هیچ کدام از عقود معین تبیین نمود. زیرا، قراردادهای پایایی از پیچیدگی های ویژه ای برخوردار می باشند که در هیچ کدام از عقود دیگر به چشم نمی خورد و به عبارتی دیگر می توان اذعان نمود که پیدا کردن عقدی در فقه که بتواند آن را مشابه و نزدیک به قراردادهای پایایی دانست، ساده اندیشی در موضوع محسوب می گردد. فلذا، تنها راه حل و پیشنهادی که در فقه به نظر می رسد تبیین کننده مشروعیت قراردادهای پایایی باشد، تراضی طرفین می باشد که بیانگر اصل آزادی قراردادها است.

در فقه برخی از فقها (قمی، ۱۳۷۱، ص ۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۵، ص ۸۴؛ نراقی، ۱۴۰۸، ص ۲۲) تنها عقود را لازم الوفاء و مشروع می دانند که شارع مقدس آن قراردادها را مورد تأیید قرار داده باشد به عبارتی دیگر از نظر فقها تنها عقود لازم الوفا می باشد که در زمره عقود معین قرار گرفته باشد و هر عقدی غیر از این عقود باشد و هرچند مورد نیاز جامعه بوده باشد، مشروع نبوده و قابلیت اجرایی ندارد. اما اکثریت فقها (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ص ۱۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۶۳؛ فاضل مقداد، ۱۳۴۳، ص ۴۲۴؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۰)، بر این باورند که عموم آیاتی از قبیل «اوفوا بالعقود» و یا «یا ایها الذین آمنوا لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض» و علاوه بر این موضوع، حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم» ناظر

به همه ی قراردادها بوده و از این لحاظ تفاوتی بین عقود معین و عقود نامعین نمی باشد. به عبارتی بهتر، تنها تراضی و توافق طرفین کافی برای این امر بوده و فرقی ندارد که قرارداد مورد نظر در قالب هیچ عقدی از عقود معین نباشد. البته در صورتی این بحث قابل قبول می باشد که برخلاف کتاب و سنت نباشد و تنعا به این خاطر که آن عقد مورد نظر، چون سابقه ای در شرع ندارد را باطل نمی دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

بنابراین با توجه به موارد مذکور در فوق می توان اذعان نمود که قراردادهای پایاپای با لحاظ قراردادن دامنه وسیع اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و فقه ایران یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده مطابق با ماده ۱۰ قانون مدنی ایران باشد و اراده طرفین پایه و اساس چنین قراردادی تلقی می گردد.

قرارداد پایاپای عبارت است از روش مشروط واردات کالا یا خدمات به صدور کالا یا خدمات دیگر به کشور فروشنده و تبادل آنها در مقابل فروش بجای پرداخت ارز خارجی است. در مورد قراردادهای جدید تجارت بین المللی از قبیل قراردادهای پایاپای در فقه و حقوق موضوعه بحثی بعمل نیامده است اما در خصوص ماهیت و اوصاف این نوع قراردادها در فقه و حقوق موضوعه داخلی نهادهای مشابهی از قبیل عقد بیع، عقد معاوضه، جعاله و عقد صلح دیده می شود. با بررسی و تحلیل نهادهای حقوقی متشابه به توجیه، تبیین و بررسی این موضوع می پردازد و به این نتیجه منتج می گردد که قراردادهای پایاپای با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و نیز با توجه به پذیرش این اصل در فقه، یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده در ماده ۱۰ قانون مدنی می باشد و تراضی طرفین برای لزوم و صحت این قراردادها کافی است. فلذا، تنها راه حلی که به نظر می رسد توجیه و تبیین کننده مشروعیت و قبول کردن قراردادهای پایاپای باشد، تراضی و توافق طرفین که همان اصل آزادی قراردادها است؛ می باشد. بنابراین در حالت کلی می توان به این نتیجه و استنباط رسید که قراردادهای پایاپای در حقوق ایران با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده در ماده ۱۰ قانون مدنی باشد.

منابع

قرآن کریم

الف - فارسی

- ۱- امامی، سید حسن، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، جلد ۲، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ بیست و دوم.
- ۲- ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین، (۱۳۸۹)، تامل فقهی حقوقی در قرارداد بیع متقابل، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۵۴
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، مجموعه محشی قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول.
- ۴- حائری، مسعود، (۱۳۸۳)، مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها و تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول.
- ۵- حسن بیگی، ابوالفضل، (۱۳۸۱)، نفت، بای بک و منافع ملی، انتشارات آوای نور، تهران.
- ۶- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی ۶، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
- ۷- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
- ۸- صابر، محمدرضا، (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل و جایگاه قانونی آن، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، تهران، شماره سی و هفت.
- ۹- صادقی، جوانمرد، (۱۳۸۳)، جنبه های حقوقی قراردادهای سرمایه گذاری بیع متقابل، پژوهش های حقوقی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، سال سوم، شماره پنجم.
- ۱۰- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، میزان، تهران، چاپ اول.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، حقوق مدنی: عقود معین (مشارکتها - صلح)، جلد ۲، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ششم.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، عقود معین، ج ۱، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.
- ۱۳- کلایو ام. اشمیتوف، (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه اخلاقی بهروز و غیره، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم.

۱۴- لثو . جی . بی . و لت، (۱۳۶۵)، ترجمه سید محمدحسین عادل، تجارت بدون پول، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ اول.

۱۵- نصیری، مرتضی، (۱۳۸۳)، حقوق تجارت بین المللی در نظام حقوق ایران، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول.

ب- عربی

۱۶- آل عصفور بحرانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۰)، عیون الحقایق الناظره فی تتمه الحدائق الناظره، جلد ۲، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.

۱۷- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۱)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۲، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

۱۸- انصاری، زکریا، (۱۴۱۸)، فتح الوهاب، جلد ۱، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول.

۱۹- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۸)، مکاسب، جلد ۳ و ۴، موسسه الهادی، قم، چاپ اول.

۲۰- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، جلد ۳، دارالفکر، بیروت.

۲۱- بهوتی، منصور بن یونس، (۱۴۱۸)، کشاف القناع، جلد ۳، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۲۲- جبعی عاملی، زین الدین بن علی - شهید ثانی - (۱۴۱۷)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۱۱، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.

۲۳- جبعی عاملی، زین الدین بن علی - شهید ثانی - (بی تا)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد ۳ و ۴، دارالعلم الاسلامیه، بیروت.

۲۴- جبعی عاملی، محمد بن مکی - شهید اول - (۱۴۱۴)، الدروس شرعیه، جلد ۳، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.

۲۵- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، جلد ۲، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.

۲۶- حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، الجامع الشرایع، موسسه سید الشهداء، قم، چاپ اول.

۲۷- خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، مصباح الفقاهه فی المعاملات، تقریر میرزا محمد علی توحیدی، جلد ۳، دارالهادی، بیروت، چاپ اول.

۲۸- خویی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴ ه.ق)، منهاج الصالحین، جلد ۲، کتاب جعاله، ناشر مکتبه لطفی، تهران، چاپ چهارم.

۲۹- دسوقی، شمس الدین محمد بن عرفه، (بی تا)، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، جلد ۳، دار الاحیاء الکتب العربیه.

۳۰- راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۵)، فقه القرآن، جلد ۲، تحقیق سید احمد حسینی به اهتمام سید محمود مرعشی، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۳۱- سرخسی، شمس الدین، (۱۴۰۶)، المبسوط، جلد ۳۰، تحقیق من الافضل، دارالمعرفه، بیروت.

۳۲- شربینی، محمد، (۱۳۷۷)، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، جلد ۲، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.

۳۳- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم.

- ۳۴- شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، (۱۴۱۷)، الخلاف، جلد ۳، تحقیق سید علی خراسانی، سید جواد شهرستانی و شیخ محمد مهدی نجف، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۳۵- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۲، تحقیق محمد تقی کشفی، مکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران.
- ۳۶- طباطبایی، علی بن محمد علی، (۱۴۰۴)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، جلد ۱، موسسه آل بیت، چاپ سنگی، قم.
- ۳۷- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۳۷۶)، سؤال و جواب، تحقیق مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ۳۸- علامه حلی، علی بن مطهر، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام، جلد ۲، موسسه النشر الاسلامیه، قم، چاپ اول.
- ۳۹- علامه حلی، علی بن مطهر، (۱۴۱۰)، ارشاد الادهان الی احکام الایمان، جلد ۱، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۰- علامه حلی، علی بن مطهر، (۱۴۱۵)، المختلف الشیعیه، جلد ۶ و ۵، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۱- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، جلد ۲، موسسه الوفا، بیروت، چاپ دوم.
- ۴۲- فاضل مقداد، شیخ جمال الدین، (۱۳۴۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تصحیح محمد باقر شریف زاده و محمد باقر بهبودی، مکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران.
- ۴۳- فخر المحققین، یوسف بن مطهر حلی، (۱۳۷۸)، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، جلد ۱، طبع بامر آیت الله محمود شاهرودی، چاپ اول.
- ۴۴- قمی، میرزا ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی، (۱۳۷۱)، جامع الشتات، جلد ۲، موسسه کیهان، تهران.
- ۴۵-
- ۴۶- محقق اردبیلی، احمد، (۱۴۱۲)، مجمع الفائده و البرهان، جلد ۸ و ۱۰، تحقیق یزدی، عراقی و اشتهاوردی، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۷- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن الحسن، (۱۴۱۰)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، نشر الموسسه البعثه، تهران.
- ۴۸- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن الحسن، (۱۳۸۹)، شرایع الاسلام، جلد ۲، مطبعه الآداب، نجف.
- ۴۹- محقق کرکی، نور الدین علی بن حسین، (۱۴۱۰)، جامع المقاصد، جلد ۷، ۶ و ۸، موسسه آل بیت، قم، چاپ اول.
- ۵۰- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۳)، هدایه العباد، جلد ۲، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول.
- ۵۱- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، بلغه الطالب فی تعلیق علی بیع مکاسب، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول.
- ۵۲- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، کتاب البیع، جلد ۴، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ اول.
- ۵۳- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۶۶)، ترجمه تحریر الوسیله، جلد ۲، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۵۴- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۰۹)، تحریر الوسیله، جلد ۱، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان، قم.
- ۵۵- منزی، اسماعیل بن یحیی، (بی تا)، مختصر المنزی، دارالمعرفه، بیروت.

- ۵۶- نجفی، محمد حسن، (۱۹۸۱)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۵، دار الاحیاء تراث العربی، بیروت، چاپ هفتم
- ۵۷- نراقی، احمد بن محمد، (۱۴۰۸)، عواید الایام، مکتب البصیره، قم.

ج- انگلیسی

- 58- - Abdel Latif, Alba, "The Egyptian Experience with Countertrade", Journal of Word Trade, Vol. ۲۴, ۱۹۸۵, p۵
- 59- Baker & Cunningham, (۱۹۸۳), Countertrade & Trade law, ۵journal of Comparative Business & Capital Market Law.
- 60- Blum, (۱۹۸۷), "The East-West Business", Financial Times.
- 61- christain Ule & Alexander Brexendorff, (۲۰۰۵), Iran Investing in the Oil & Gas Industry, from a Business & legal Pererspective.
- 62- Dick, francis, (۱۹۸۷), the countertrade handbook Cambridge: woodhead-favlkner. Uncitral, Legal Guide on International Countertrade Transactions, (۱۹۹۳), UNCITRAL, New York.
- 63- Hennart, (۱۹۹۰), "Some Empirical Dimensions of Countertrade", Journal of International Business Studies.
- 64- International countertrade (۱۹۸۸), Preliminary Study of Legal Issues in international Countertrade : Report of the Secretary-General (A/CN.۳۰۲/۹
- 65- Ruben Berrios and Josephine E. Olson, (۱۹۸۷), "Counter Trade as a Form of Debt Payment", University of Pittsburgh for CIED.
- 66- Thomas B. Mc Vey, (۱۹۸۰), Countertrade & Barter: Alternative Trade Financing By Third Word Nations.